

معرفی و بررسی تذکره خلاصه الشعرا (بتخانه)

محدثه فرخی*

چکیده

یکی از شیوه‌های توجه به هویت و شناسنامه وجودی جوامع، جمع‌آوری و تدوین نسخ خطی و برنامه‌ریزی دقیق برای شناسایی و معرفی این آثار است. در میان نسخ خطی، تذکره‌ها از آن جهت که بعضاً نام و نشان شاعران و اشعار و آثار آن‌ها را از تحریف زمانه در امان نگاه داشته، حائز اهمیتند. در بین تذکره‌ها و سفینه‌های شعر فارسی، تذکره خلاصه الشعرا (بتخانه) از شهرت خاصی برخوردار است. تذکره خلاصه الشعرا ذیلی است که بر جُنگ بتخانه نوشته شده است. جُنگ بتخانه، بالغ بر بیش از چهل هزار بیت از منتخبات اشعار متقدمین و متوسطین است که توسط ملامحمد صوفی مازندرانی به همکاری عبداللطیف عباسی در سال (۱۰۱۰ ه.ق) گردآوری شده است و بعدها در سال (۱۰۲۱ ه.ق)، عبداللطیف عباسی گجراتی، علاوه بر نگارش دیباچه، شرح احوال شعرای بتخانه را با ذکر سلاطین و مشایخ معروف عهدشان، به اختصار بر آن افزوده و نام خلاصه الشعرا را بر آن نهاده و هر دو اثر را با هم در یک مجموعه دو جلدی مرتب نموده است. در این پژوهش ضمن معرفی تذکره و نسخه‌های موجود از آن، مختصات سبک شناسی این اثر در دستگاه‌های زبانی، فکری و بلاغی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: نسخ خطی، تذکره خلاصه الشعرا (بتخانه)، تصحیح، عبداللطیف عباسی گجراتی، صوفی مازندرانی.

* - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودان، دانشگاه آزاد اسلامی، رودان، ایران.

مقدمه

یکی از کارهای اصلی در حوزه احیای آثار بر جای مانده از گذشتگان، تصحیح متون خطی است. در میان نسخه‌های خطی، تذکره‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. «برای تدوین تاریخ ادبیات فارسی و عصر و زمان آنان و سوانح زندگی هر یک و تعیین پایه و مایه و تشخیص سبک و سیاق سخن ایشان، نخستین مرجع ارباب تحقیق، کتب تذکره است.» (گلچین معانی، ۱۳۶۳: مقدمه)

تذکره نویسی در ادبیات فارسی یکی از امور مهم و پرارجی است که سابقه‌ای طولانی دارد و در دوره صفویه، به علت مهاجرت جمع کثیری از ادبا و فرزنانگان ایرانی به هندوستان، بسیاری از شاعران پارسی‌گو به دربار شاهان هندی روی آوردند و در آن دستگاه پرورش یافتند، تذکره‌نویسی نیز به عنوان سنتی ادبی به سرزمین هند راه یافت و در قرون ۱۱ و ۱۲ هجری رونق فراوانی پیدا کرد. به گونه‌ای که «نویسندگان فارسی‌زبان هند و پاکستان در دو زمینه بر ادیبان ایرانی پیشی گرفتند، یکی در امر تدوین فرهنگنامه و لغت و قواعد زبان فارسی و دیگری در ثبت احوال و اخبار شاعران پارسی‌زبان که ایرانیان خود به این دو امر توجه شایانی نداشتند و درباره آن، کار چندانی نکرده‌اند.» (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۵)

با توجه به تعداد تذکره‌های موجود از مؤلفان هند و پاکستان، می‌توان این ادعا را قبول کرد که اگر تذکره‌نویسی و ثبت احوال در دوران گذشته رواج نمی‌یافت، ما از شناخت بسیاری از شاعران ایرانی و پارسی‌گوی که در هند و یا نقاط دیگر روزگار می‌گذرانند، محروم می‌ماندیم و به مدد همین تذکره‌ها بسیاری از شاعران معرفی و شناخته شدند.

تذکره خلاصه الشعرا (بتخانه) نیز یکی از تذکره‌هایی است که در سرزمین هند به رشته تحریر درآمده است. در اصل تذکره خلاصه الشعرا ذیلی است که توسط عبداللطیف عباسی بر جنگ بتخانه نوشته شده است. جنگ بتخانه، مجموعه‌ایست بالغ بر بیش از چهل هزار بیت از منتخبات اشعار متقدمین و متوسطین که توسط ملا محمد صوفی مازندرانی با همکاری عبداللطیف عباسی گجراتی در سال (۱۰۱۰ هـ.ق) گردآوری شده است که اندک زمانی بعد، در سال ۱۰۲۱ هـ.ق، عبداللطیف عباسی گجراتی، مقدمه‌ای ادیبانه با شرح احوالی و ترجمانی از شاعران جنگ بتخانه با ذکر پادشاهان و بزرگان معروف عهدشان، بدان افزوده است. از آن جایی که در دو نسخه موجود

(نسخه کتابخانه مجلس و نسخه کتابخانه بادلیان)، هر دوی این تألیفات (خلاصه الشعرا و بتخانه) با هم در یک مجموعه دو جلدی ثبت شده است، به هر دو صورت نامیده می‌شود. از آنجا که یکی از راه‌های آگاهی از پیشینه تاریخ و تمدن هر کشور، احیای متون و آثار مکتوب به جا مانده از بزرگان علمی و ادبی است، نگارندگان در این جستار با معرفی این نسخه خطی و تصحیح آن، بر احیاء و نشر یکی از موارث ادبی کشور تأکید دارند.

ضرورت تحقیق

با توجه به ارزش محتوایی تذکره که از منابع مورد مراجعه محققان شعر و ادب سده‌های پیشین است که در برگزیده دقیقی از زندگی شاعران و نویسندگان و همچنین حاوی اشعار فراوانی از آنان است که بعضاً نامشان در دیگر کتب تذکره نیامده و یا دیوانی از آنان به دست نیامده است، تصحیح تذکره مذکور و پژوهش بر روی آن، می‌تواند به عنوان یک مرجع قابل اعتماد به محققان شعر و ادب فارسی، کمک فراوانی کند و اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش را نشان دهد.

پیشینه تحقیق

نسخه‌های تذکره خلاصه الشعرا (بتخانه) تاکنون مورد تصحیح قرار نگرفته است و این مهم برای نخستین بار در رساله دکتری، توسط نگارندگان به انجام رسیده است؛ اما در برخی کتب تاریخ ادبیات و معرفی تذکره‌ها، ردّ پایی از آن وجود دارد؛ از آن جمله در کتاب «تاریخ تذکره‌های فارسی» نوشته احمد گلچین معانی، که در آن به تفصیل به معرفی کتاب‌های تذکره در دو جلد پرداخته است و دیگر در کتاب «تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان» تألیف سیدرضا نقوی پاکستانی، کتاب‌های تذکره‌ای را که به زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران نوشته شده، معرفی شده است و همچنین کتاب «تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند» تألیف سیدفیاض محمود و در «دایره‌المعارف بزرگ اسلامی»؛ در ذیل نام عبداللطیف عباسی گجراتی، اشاره کوتاهی به این تذکره شده است.

اهداف تحقیق

- ۱- معرفی تذکره و مؤلفان آن و همچنین توضیح ویژگی‌های ساختاری تذکره و شیوه نگارش و سبک و سیاق نویسنده آن.
- ۲- مدد رسانی به مورخان و مصححان و شارحان متون ادبی؛ آنچه که از تراجم و احوال شاعران به ویژه شاعران متقدم در این تذکره آمده، قابل توجه است و به مورخان برای نگارش کتب تاریخ ادبیات کمک بسیاری می‌کند.
- ۳- کمک به تصحیح و تکمیل دیوان شاعران؛ با تصحیح این تذکره و تطبیق و مقابله ابیات مندرج در این تذکره با تذکره‌های معتبر و متعدد و دقت در دیوان شعرا، ابیات نویافته و ضبط‌های تازه‌ای از شعر بعضی از شاعران ارائه می‌دهد و همچنین صحت انتساب اشعاری که به چند شاعر منسوب شده‌اند، بر ما مشخص می‌گردد که به تکمیل دیوان شاعران کمک شایانی خواهد کرد.
- ۴- معرفی شعرای گمنام و دستیابی به اشعار آنان؛ تعدادی از شعرای مذکور در این تذکره گمنام‌اند و شرح حالشان در دیگر منابع ذکر نشده و دیوانشان منتشر نشده است که با تصحیح این تذکره، معرفی و دستیابی به آثار شعرای گمنام فارسی، ممکن می‌گردد.

بحث و بررسی

«تذکره خلاصه الشعراء (بتخانه)»

ملاً محمد صوفی مازندرانی متوفی (۱۰۵۳ هـ.ق) مدت چهل سال از عمر شریف خود را در سفینه‌ها و دیوان‌های شعرا به جستجو پرداخته و از مجموع چهارصد هزار بیت شعر از شاعران مختلف، نزدیک به چهل هزار بیت برگزیده و این گزیده را موسوم به بتخانه گردانیده است. بتخانه در سال (۱۰۱۰ هجری) در احمدآباد گجرات به خواهش میرزا حسن بیگ خاکی مؤلف منتخب التواریخ با دستیاری ملاً عبداللطیف گجراتی تنظیم و تدوین گردیده است. البته در فهرست آکسفورد آمده که میرزا حسن خاکی در تألیف بتخانه شریک صوفی بوده و عبداللطیف کتاب صوفی را دزدیده است. (به نقل از گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۵۹۰-۵۹۱)

بعدها در سال ۱۰۲۱ عبداللطیف عباسی گجراتی برای تذکره بتخانه، دیباچه مفصلی به نام لشکرخان مشهدی نوشته و تاریخچه شعرای بتخانه را با ذکر ملوک و مشایخ معروف عهدشان به اختصار بر آن افزوده و قسمت الحاقی یعنی تذکره را موسوم به خلاصه الشعرا گردانیده است. در باب تاریخ تألیف کتاب، مصرع فرد «فهرست لطیف، بس عجیبست» که در مقدمه آمده، گواه آن است.

البته خوشگو نویسنده سفینه هندی، نام «صوفی» را در جایی دیده و «عوفی» خوانده و چون ملاً محمد صوفی در گجرات مقیم بوده، او را از مردم آنجا دانسته است و بتخانه را با خلاصه الشعرای عبداللطیف اشتباه کرده و از مجموع این غلط کاری‌ها، عوفی گجراتی تذکره نویسی به وجود آورده است. چنانکه می‌گوید:

«عوفی از احمدآباد گجرات است، در عهد اکبرشاهی فاضل وحید بود، در عالم مصاحبت و آشنایی‌های بی‌نظیر، تذکره الشعرای نوشته و تحقیقات نیک به کار برده، این بیت از اوست:

واکرده‌اند بلهوسان صد کتاب لاف یک حرف عاشقی که زجایی شنیده‌اند»

(خوشگو، ۱۹۵۹م: ۲۷۳)

و همچنین آقای دکتر نقوی پاکستانی هم در کتابش نام این کتاب مجهول و مجعول را «تذکره عوفی گجراتی» در شمار تذکره‌های فارسی هند و پاکستان آورده است. (نقوی، ۱۳۴۳: ۷۱۰)

نسخه‌های خطی تذکره خلاصه الشعرا (بتخانه) و شیوه تصحیح آن:

۱ - نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، (شماره ثبت ۳۵۸۲۷ - ۴۵۲۴ ف) در دو جلد به شماره‌های ۱۲۰ و ۱۳۲. جلد اول بتخانه در ۷۱۵ صفحه و جلد دوم در ۶۱۷ صفحه است که ناتمام می‌باشد. در این نسخه خلاصه الشعرا با دیباچه مفصل آن جمعاً بیست و هشت صفحه است؛ تحریر قرن یازدهم نزدیک به زمان مؤلف است و به خط نستعلیق هندی نوشته شده است.

۲- نسخه کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد انگلستان، به شماره (۳۶۶) که میکروفیلمی از آن در کتابخانه دانشگاه تهران با شماره ثبت (۸۷۰ و ۸۷۹ - ب) نگهداری می‌شود. این نسخه هم در دو جلد و قسمت‌های پایانی آن محذوف است و نیز بعضی صفحات از اشعار منتخب شاعران

افتاده و همچنین رباعیات عمر خیام و اشعار ادیب صابر را اصلاً ندارد. نسخه با ابیاتی از عین‌القضات همدانی خاتمه می‌یابد که متأسفانه ناتمام است؛ چون اشعار منتخب همه شاعرانی که در فهرست نامشان ذکر شده، نیامده است.

در این پژوهش با وجود تنها دو نسخه از تذکره، از روش تصحیح علمی و انتقادی و التقاطی بهره گرفته شده است، که نسخه اساس، نسخه کتابخانه مجلس است که با نسخه بدل (کتابخانه بادلیان) و دیوان‌های موجود از شاعران و دیگر کتب تذکره، مورد مقابله قرار گرفته است.

شرح حال مولانا محمد صوفی مازندرانی، مؤلف «بتخانه»:

مولانا محمد صوفی مازندرانی که در شعر به نام (محمد) و (صوفی) تخلص دارد و معروف به ملاصوفی است. در شهر آمل متولد شده و در ایام جوانی ترک وطن کرده و مدتی را در ری و اصفهان رحل اقامت افکنده است، سپس سالک وادی عرفان و تصوف گشته است و به علت تمایل به مسلک درویشی، شعرگویی را آغاز و منظومات عارفانه و صوفیانه می‌سرود. وی بعد از سیاحت در بلاد آذربایجان و عراق عجم به فارس رفت و در این شهر مدت مدیدی اقامت نمود و اصحاب سیر و سلوک در شیراز مقدمش را گرامی دانسته و ملا اکثر اوقات خود را در مدارس آنجا بین مریدان و معتقدان خود و به افاضه و دستگیری سالکان طریقت اشتغال می‌ورزید؛ اما دیری نپایید که او را «طرفه حالتی دست داد» که در میان علما و فضلاء به سوء اعتقاد و زندقه و روش الحاد متهم گشت و مجبور شد شیراز را به سمت کازرون ترک و در این مکان منزل نماید. (رک به گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶-۱۲۳۴)

ملاً محمد صوفی در اوایل سلطنت شاه عباس کبیر (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ.ق) و در زمان اکبر شاه (۹۶۲-۱۰۱۴ هـ.ق) به هندوستان رفت و مدتی در احمدآباد گجرات سکونت اختیار نمود و در حدود سال (۱۰۲۲ هـ.ق) به اجمیر رفت و مؤلف تذکره میخانه، وی را آنجا ملاقات کرد و تحت تأثیر علم و اخلاق وی قرار گرفت؛ چنانکه در تذکره خود از علم و اخلاق وی بسیار تعریف کرده است. مؤلف «میخانه» می‌گوید که: «میرصوفی به وی گفت که او پانزده سال در مکه معظمه توطن نموده و در آن ایام هر سال یکبار به زیارت مدینه می‌رفت و بعد از زیارت رسول به مکه معاودت

می‌کرد و این که کمتر جایی در دنیا مانده که وی آنجا را ندیده باشد وی گجرات را وطن خود قرار داده و گاهی به قصد گردش و سیاحت به اطراف و اکناف آن شهرستان می‌رفت و به قول خودش به اجمیر مخصوصاً برای زیارت قطب المحققین خواجه معین‌الدین چشتی مسافرت کرده است.» (فخرالزمانی، ۱۳۶۲: ۴۷۸)

«زمانی که ملا محمد در اجمیر توقف داشت جهانگیر شاه با لشکر خود به اجمیر آمده (۱۰۲۲ - ۱۰۲۵ هـ) و در آن شهر اقامت نمود و در نتیجه اصرار و اشتیاق وی برای مدتی نزد وی رفت؛ اما بنا به مقتضای طبیعت خلوت‌پسند خود تصمیم گرفت آن شهر را ترک گفته و به گجرات برگردد.

همان شهری که یادآور زادگاه وی بوده است:

مرا گجرات از آن گشته است مسکن
که از مازندرانم یادگار است

به نقل از مؤلف مآثر الامرا، جهانگیرشاه، ملا محمد را نزد خود احضار نمود و سیف‌خان استاندار گجرات که به ملا علاقه و ارادت فراوانی داشت به ناچار ملا را به خدمت پادشاه فرستاد؛ اما ملا محمد در راه سرهند به علت کهولت سن بیمار شده و در آن حالت رباعی ذیل را سرود.

ای شاه نه تخت و نه نگین می‌ماند
از بهر تو یک دو گز زمین می‌ماند
صندوق خود و کاسه درویشان را
خالی کن و پر کن که همین می‌ماند

و چون جهانگیر شاه این رباعی را خواند بسیار متأثر و ناراحت شد.» (صمصام الدوله شاه نوازخان، ۱۳۰۹، ج ۳: ۴۵۱)

خوشگو سال فوت ملاصوفی را در ضمن این مصرع (مجردانه یکی شد به حق محمد صوفی) ۱۰۳۵ هجری قمری آورده است. (خوشگو، ۱۹۵۹م: ۲۷۳)

آثار ملا محمد صوفی مازندرانی

«آثار ملا محمد صوفی مازندرانی عبارتند از: «بتخانه، دیوان اشعار (بیش از هزار بیت شعر)، ساقی‌نامه (نسخه تکمیل شده آن را، احمد گلچین معانی در تذکره میخانه چاپ خود آورده است و

اشعار متفرقه (که به گفته مؤلف میخانه، شامل سه هزار بیت است که در دیوان وی موجود نیست و اغلب آن‌ها را در سفاین و تذکره‌های مختلف می‌توان جستجو کرد.) (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۴۷۹)

شرح حال عبداللطیف عباسی گجراتی، مؤلف «خلاصه الشعرا»

«عبداللطیف عباسی گجراتی فرزند عبدالله کبیر، ادیب، نویسنده و فارسی‌نویس شبه قاره، در گجرات هندوستان چشم به جهان گشوده و در همان‌جا بالیده تا این که در انشاء و ادب به مقام استادی نائل گردیده است. چنان که مؤلف کتاب عمل صالح، به صراحت او را گجراتی دانسته است.» (کنبوه، ۱۰۷۰: ۱۰۰)

عبداللطیف، خود در مقدمه کتاب بتخانه، به صراحت بیان داشته که زادگاهش گجرات است. از مقدمه این کتاب برمی‌آید که او تحصیلات علمی و ادبی خود را در همین شهر به پایان رسانده و از محضر صوفی مازندرانی که در آن ایام در گجرات اقامت داشته، استفاده‌ها نموده و در کارهای علمی و ادبی با وی همکاری داشته است.

عبداللطیف مدتی در خدمت لشکرخان شهدی بوده و این کتاب را نیز به نام وی کرده است. لشکرخان در زمان جهانگیرشاه، دیوان کابل و در زمان شاه جهان صوبه دار (استاندار) کابل بود. طبق توضیحی که عبداللطیف در مقدمه خلاصه الشعرا داده است: «لشکرخان وی را جهت تفصی محاسبات دیوانی کل صوبه (استان) بنگال و اودیسه تنها گذاشت و خودش عازم دربار جهانگیرشاه شد و سپس بعد از مدتی عبداللطیف نیز رهسپار دارالخلافه آگره شد و در راه فرصتی به دست آورده تا در تدوین این کتاب توفیق حاصل نمود.» (گلچین معانی ۱۳۶۳: ۵۹۰-۵۹۱)

مؤلف «پادشاه نامه» می‌نویسد که: «عبداللطیف در ۸ جمادی‌الاول ۱۰۴۲ هـ ق) وارد خدمت شاهی شد و در سال پنجم جلوس شاه جهان به سمت دیوانی وزارت موجب منصوب گشت و در ۱۰ شعبان ۱۰۴۵ هـ ق) شاه جهان، عبداللطیف را برای ابطال و لغو رسوم شیعی در گولکنده به آن شهر مأمور کرد تا اسم شاه ایران را از خطبه جمعه حذف نمایند.» (لاهوری، ۱۸۶۸: ۷-۱۴۵)

پس از اتمام مأموریت فوق، عبداللطیف در اول صفر ۱۰۴۶ هـ ق به دارالسلطنه آگره بازگشت. شاه جهان در ازای این موفقیت مقادیر زیادی مال و ثروت به وی بخشید و به وی لقب «عقیدت

خان» اعطا نمود و به منصب (یکهزار پیاده و چهارصد سوار) منصوب کرد؛ اما عبداللطیف به علت بیماری، قادر به انجام وظایف خود نبود و در تاریخ (۵ ذی القعدة ۱۰۴۷ هـ.ق) او را از سمت دیوانی تن (وزیر موجب) معزول نمودند و در اواخر عمر ظاهراً در شمار وقایع نگاران دربار بود. بنا بر گفته مؤلف عمل صالح «چندی به تحریر ایام دولت ابد طراز می پرداخت. آخر از نکته گیری بیش از حد از خدمت مذکوره معاف و مرفوع القلم گشت.» (کنوه، ۱۰۷۰: ۸ - ۴۳۷)

«متأسفانه تاریخ دقیق وفات عبداللطیف معلوم نیست؛ اما این قدر حتمی است که وی در سال ۱۲ سلطنت شاهجهان (۱۰۴۹ - ۱۰۴۸ هـ.ق) فوت کرده است.» (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۴۲)

آثار عبداللطیف:

عبداللطیف آثار بسیاری داشته است؛ اما تنها بعضی از آنها از دستخوش حوادث روزگار به جا مانده است که عبارتند از: الف- خلاصه الشعرا ب- رقعات یا منشآت ج- شرح مثنوی مولانا رومی د- نسخه ناسخه مثنویات سقیمه ه- لطایف اللغات یا فرهنگ لغات مثنوی معنوی و- لطایف المعنوی من حقایق المثنوی ز- مرآت المثنوی ح- لطایف الحقایق من نفایس الدقایق ط- شرح حدیقه.

ساختار و شیوه تذکره نویسی

کتاب تذکره، دارای مقدمه‌ای ادیبانه است که با حمد و ستایش پروردگار آغاز می‌شود و پس از آن، عبداللطیف به طور اختصار خود را معرفی می‌کند و در مورد انگیزه تألیف خلاصه الشعرا چنین توضیح می‌دهد: «بنده نحیف، خاک اقدام هر مسکین و ضعیف، عبداللطیف بن عبدالله عباسی که از باریافتگان کنار بساط آن عارف یقینی «ملا محمد صوفی» بود، و خود را از زمره ریزه چینان خوان آن نعمت بی دریغ می‌شمرد، و در استکتاب و مقابله آن کتاب مستطاب (بتخانه) به قدری دخلی داشت، ... به خاطر ناقص این نحیف رسید که احوال فرخنده مآل شعرائی که اشعار فیض آثارشان در این کتاب مستطاب منتخب است، اگر بر سبیل اجمال نوشته شود، همچنان که از دوا این به وجود این انیس معنوی فراغ حاصل است، از تذکره شعرا نیز استغنا حاصل آید ...» (صوفی مازندرانی، نسخه مجلس، ۳۵۸۲۷، ج ۱: ۴)

سپس عبداللطیف به گونه‌ای اختصاری به تراجم و شرح احوال شاعران بتخانه می‌پردازد، که مشتمل بر هفت طبقه و بنا بر گفته مؤلف در مقدمه «موافق طبقات سعد فلکی» است و هر طبقه آن احوال و اشعار چندین شاعر مشهور و اشعار منتخب و گاهی نادر آن را شامل است. شرح حال شاعران اگر چه غالباً مختصر است؛ اما گاهی اطلاعات مفیدی را دربارهٔ بعضی از آنها می‌رساند که در هیچ تذکره دیگر یافت نمی‌شود.

البته به گفته گلچین معانی در کتاب «تاریخ تذکره‌های فارسی» تراجم شعرا به ترتیبی آمده است که در بتخانه مسطور بوده «و اینکه مؤلف مدعیست که بنای آن را موافق طبقات سعد فلکی نهاده و در هفت طبقه نوشته، همانا ادعاست و عیناً عبارت دیباچه تذکره دولتشاه سمرقندی را در تعیین ابواب و طبقات کتاب سرقت کرده است.» (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۵۹۲)

در مورد ترتیب اسامی شعرا، عبداللطیف در دیباچه چنین توضیح می‌دهد، «اسامی شعرای این نسخه را آنچه تاریخ وفاتشان مشخص به نظر درآمد موافق تقدیم و تأخیر زمان ایشان و آنچه تاریخ فوت آنها مشخص نیافت، به قیاس تاریخ فوت ممدوح و معاصران آنها نوشت.» (همان) شیوه و سبک مؤلف در معرفی شاعران بدین منوال است که ابتدا نام و نام خانوادگی و تخلص شاعر به طور تلگرافی و بدون هیچ جمله‌بندی مشخصی آورده شده و سپس انتساب شاعر به دربار شاه یا شاهزادگان برای نویسنده مسأله‌ای مهم بوده است؛ و این مسأله آن قدر برای مؤلف حائز اهمیت است که در برخی موارد انتساب اجداد شاعر به دربار را هم بیان می‌کند.

البته نکتهٔ حائز اهمیت در این تذکره، ذکر تاریخ رویدادهای مهم در زندگی هر شاعر است؛ البته همهٔ تاریخ‌ها به زبان عربی است؛ مانند تاریخ دقیق تولد و وفات و تاریخ مسافرت‌ها که شاید در دیگر کتب تذکره چندان به آن پرداخته نشده باشد.

ویژگی برجستهٔ دیگر این کتاب تذکره، آوردن دقیق تعداد اشعار هر شاعر در قالب‌های شعری مختلف است؛ مثلاً تعداد غزلیات و قطعات و قصاید و دوبیتی و رباعی و مانند آن مشخص شده است که نمونه‌ای از اطلاعات به دست آمده، در پایان مقاله، با استفاده از جدول و نمودار ارائه شده است.

منابع و مأخذ تذکره خلاصه الشعرا

عبداللطیف اکثر کتب خیلی معتبر و موثق را مأخذ خود قرار داده و به قول خودش با چندین تذکره و تاریخ معتبر تطبیق و تلفیق نموده و اختلاف روایات و احوال آنان را نیز در این تذکره قید کرده است و همچنین می‌گوید: «در آنچه لازمه تفتیش و تحقیق است، دقیقه فرو گذاشت نگشته است.» (نسخه مجلس، ۳۵۸۲۷، ج ۱: ۶) عبداللطیف در مقدمه کتاب، اسامی کتاب‌های زیر را که در تألیف این تذکره از آنها استفاده نموده، ذکر کرده است:

- ۱- تذکره دولت‌شاه سمرقندی ۲- نفایس المآثر علاء الدوله قزوینی ۳- تذکره عوفی
 ۴- منتخب التواریخ از میرزا حسن بیگ خاکی ۵- روضة الصفا ۶- حبيب السیر
 ۷- مجمل فصیحی ۸- تاریخ ابن خلکان ۹- تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی
 ۱۰- تاریخ رشیدی میرزا حیدر کشمیری گورکان ۱۱- اکبرنامه ابوالفضل ۱۲- تاریخ
 نظام‌الدین احمد نخسبی (طبقات اکبری) ۱۳- تاریخ فیروز شاهی (ضیاءالدین برنی)
 ۱۴- طبقات ناصری ۱۵- تاریخ بناکتی ۱۶- نفحات الانس ۱۷- تاریخ جهان آرا
 احمد غفاری ۱۸- تاریخ بیهقی. البته مؤلف می‌نویسد که غیر از کتب فوق از چندین تذکره
 و تاریخ معتبر دیگر نیز استفاده نموده است.» (همان)

شاعران جنگ بتخانه

بعد از تذکره خلاصه الشعرا، جنگ بتخانه آغاز می‌شود که این جنگ مشتمل است بر بیش از چهل هزار بیت که به همت صوفی مازندرانی و دستیاری عبداللطیف، در دو جلد گردآوری شده است. جلد اول آن با اشعار «ابوالفرج رونی» آغاز شده و با اشعار «نجیب جرفادقانی» تمام می‌شود و جلد دوم با «انتخاب ابیاتی از دیوان عنصری» آغاز شده و با اشعار «زکی مراغه‌ای (ناقص الآخر)» به پایان می‌رسد و مشتمل است بر مقدمه و شرح حال شصت و هشت شاعر و فهرست اسامی شعرا و اشعار منتخب از دیوان سی و شش شاعر که نام آنها ذکر می‌شود:

- ۱- ابوالفرج رونی ۲- حکیم ازرقی ۳- مجیرالدین بیلقانی ۴- جمال الدین عبدالرزاق
 ۵- کمال الدین اسماعیل ۶- رشید وطواط ۷- حسن اشرفی سمرقندی ۸- ابوالمجد

مجدود سنایی غزنوی ۹- حسن غزنوی ۱۰- مسعود سعد بن سلمان ۱۱- اوحدالدین انوری ۱۲- ناصر خسرو قبادیانی ۱۳- افضل الدین خاقانی ۱۴- ادیب صابر ۱۵- رضی الدین نیشابوری ۱۶- نجیب الدین جرفادقانی ۱۷- حکیم عنصری ۱۸- اثیر اومانی ۱۹- اثیراخیسکتی ۲۰- اوحدی مراغه‌ای اصفهانی ۲۱- امیر معزی هروی ۲۲- سعدی شیرازی ۲۳- فخرالدین عراقی ۲۴- عمر خیام ۲۵- مجدالدین همگر شیرازی ۲۶- جلال عضد یزدی ۲۷- عبدالواسع جبلی ۲۸- عمادی شهریار غزنوی ۲۹- عثمان مختاری غزنوی ۳۰- مطهر ۳۱- قاسم انوار ۳۲- مولانای روم بلخی ۳۳- فریدالدین عطار ۳۴- شیخ معری تبریزی ۳۵- ظهیر فاریابی ۳۶- امیر خسرو دهلوی.

سپس اشعاری از نود شاعر را تحت عنوان (غریب لر) آورده است که به اعتقاد مؤلف غریب و نامعروفند و ترجمه احوال آنها در هیچ تذکره‌ای نبوده و به اختصار به معرفی آنها پرداخته است. «بهاء الدین بغدادی، بهاء الدین مرغابی، ناصرالدین کاشی، سید ذوالفقار شروانی، شاه کبود جامه، حکیم نورالدین صدوقی، روحانی، عزالدین شروانی، عمادالدین حسن دهلوی، ابوالعلائی گنجوی، سعدالدین هروی، علی بن حسن باخرزی، ناصر بخاری، نزاری قهستانی، همام تبریزی، فخرالدین هندوشاه، بدرالدین شاشی، ابن عماد، امام شهابی سلطانی، شمس الدین طاهر نخاس، ابوسعید بزغش شیرازی، امامی هروی، قطب الدین عقیقی، قاضی همام الدین صاین، خواجوی کرمانی، جلال طیبی، خطیب گنجوی، عبدالمجید، حسام الدین نخشبی، امام رافعی غزنوی، ناصرجه، محمد کاتبی نیشابوری، کمال الدین زنجانی، قطران تبریزی، رودکی سمرقندی، عمیق بخاری، رفیع الدین لبنانی، سیف الدین اسفرنگی، منوچهر شصت کله، شرف الدین شفروه، سراج الدین قمری، اسدی طوسی، سیف الدین باخرزی، شمس الدین حدادی، روحی شارستانی، روحی والوالجی، زین الدین سنجری، فخرالدین خالد، عین القضاة همدانی، ابوسلیک گرگانی، بدیع بلخی، طیان بمی، عطایی خسروی، سرخسی، فلکی شروانی، عبید زاکانی، نظامی گنجوی، شمس الدین طوسی، ابوالفرج بلخی، شاه داعی شیرازی، مرشدی، مبارکشاه غوری، مسعود ترکمان، علوی تربتی، نظام استرآبادی، اشهری، شاه علی، شیخ امین الدین کازرونی، اوحدالدین کرمانی،

افضل الدین کاشی، بدرالدین جاجرمی، شیخ رباعی، زکی مراغه‌ای، شیخ ابوسعید، سعد وراق، سهیلی، مهستی، ابن یمین، شیخ روزبهان». (نسخه مجلس، ۳۵۸۲۷، ج ۱: ۸)

البته عده‌ای از این شعرای غریب! در غایت شهرتند و ذکرشان در همه جا هست و با این که مؤلف به طور قطع تذکره دولتشاه را در دست داشته، معلوم نیست که چرا عده‌ای از شعرای آن تذکره را در عداد «غریب لر» آورده است، مگر این که نسخه‌ای که در دست داشته ناقص بوده باشد.

البته درباره این موضوع عبداللطیف، در خلاصه الشعرا چنین توضیح داده است که اگر چه بعضی از این اکابر صاحب دیوان بودند؛ اما دیوانشان به نظر عارف الهی مولانا محمد صوفی نرسیده و اشعاری که در مجموعه‌ها ثبت بوده، انتخاب شده است.

سپس اشعار متفرق از شصت و دو شاعر را آورده است، که اولشان رودکی و آخرشان زکی مراغه‌ای است؛ اما از بین این شاعران، اشعار منتخب از دیوان «عمادالدین شهریاری» را مؤلف به نام «عمادی شهریاری غزنوی» در قسمت اول در ذیل شماره ۲۸ آورده است. اسم بعضی از شاعران را مکرر آورده است؛ مانند اشعار خواجه نصیرالدین طوسی که ابتدا در ذیل شماره چهل و چهار آورده است و سپس مجدداً اشعار دیگری در ذیل شماره پنجاه و نه نقل کرده است. همچنین اشعار عین القضات را در ذیل شماره‌های بیست و شصت و دو نقل کرده است. روی هم رفته این تذکره مشتمل بر شرح حال شصت و هفت شاعر و اشعار منتخب از حدود صد و هشتاد و هشت شاعر است؛ البته در فهرست بادلیان اسامی صد و بیست شاعر آمده است (ص ۱۹۷ الف تا ۲۰۳ ب) که اولین آن‌ها ابوالفرج رونی و آخرینشان شیخ مهستی است؛ اما چون اسم خواجه نصیرالدین طوسی در ذیل شماره‌های نود و دو و صد و هفت و اسم مسعود بن سعد در ذیل شماره‌های چهار و صد و یازده آمده است؛ بنابراین عده کل شعرا از روی نسخه بادلیان صد و هیجده می‌باشد. همچنین اشعار منتخب از دیوان سی و شش شاعر را که اسامی آن‌ها در سطور فوق گذشت، خیلی مفصل آورده شده است؛ اما در قسمت آخر کتاب اشعار شعرا را غالباً مختصر نقل کرده است.

البته این نکته را نیز باید اضافه کرد که مؤلف در یک چنین تألیف عظیمی گاه دچار مسامحاتی در ثبت تواریخ و یا اختلاط تراجم شاعران نیز شده است؛ مثلاً مؤلف در ذیل نام

ابوالفرج رونی، اصل وی را از سیستان و مدّاح بوعلی سیمجور نوشته و می‌گوید که وی در زمان ابراهیم بن مسعود بن محمود در رجب سال ۴۹۲ هـ ق درگذشته است و از این جهت معلوم می‌شود که وی ابوالفرج رونی را با ابوالفرج سیستانی اشتباه گرفته است. به روایت تقی کاشانی ابوالفرج رونی در سال ۴۸۹ هـ ق و به روایت «تاریخ نادر الزّمانی» در سال ۴۸۲ هـ ق یک سال بعد از فوت ابراهیم بن مسعود بن محمود در گذشته است همچنین سال وفات رودکی را به جای «۳۲۹ هـ ق» سال «۴۰۷ هـ ق» آورده است؛ و همچنین منوچهری دامغانی را با منوچهر شصت کله اشتباه گرفته است و اشعار منوچهری دامغانی را اشتبهاً تحت عنوان اشعار منوچهر شصت کله آورده است. با وجود اینگونه موارد، اشتباهات در این تذکره در قیاس با تذکره‌های دیگر بسیار کمتر است.

این تذکره از حیث انتخاب اشعار دارای اهمّیت بسیار می‌باشد. مخصوصاً چون ملاً صوفی که این اشعار را انتخاب نموده است، دارای ذوق عالی بوده و هر چه انتخاب کرده است، نغز و لطیف و آیینۀ قریحه ظریف وی می‌باشد و همچنین اغلب شاعرانی که در جلد دوم تذکره نام آنها تحت عنوان شاعران غریب لر آمده است، گمنام و کمتر شناخته شده هستند و دیوان اغلب آنها تا به حال به چاپ نرسیده است و این تذکره با آوردن نام، شرح احوال و ذکر اشعاری از آنان، کمک بسیاری به شناخت آنها و رهایی این شاعران از خمول و گمنامی کرده است.

معرفی «سید مطهر»، شاعری گمنام

از جمله شعرای مذکور این تذکره، شاعری به نام مطهر است که مؤلف بتخانه (ملاً محمد صوفی) ادعا کرده است که ذکر وی، اشعار منتخب از دیوان او (۱۰۰۰ بیت) و شرح حال وی در این تذکره به طور مفصل ذکر شده و در هیچ تذکره دیگری نیامده است.

«معزالدین ابو طاهر مطهر بن عبدالله بن علی حسنی حسینی حنفی (۷۱۶-۷۹۱ هـ ق) از شعرای توانا و گمنام قرن هشتم هجری است که در کتب تذکره و تاریخ ادبیات به نام‌های مختلف (مطهر کره‌ای، مطهر کره‌ای، مطهر گجراتی، مطهر هندی، مطهر آگره‌ای) از وی یاد شده است. آن چه که برگرفته از اشعار اوست، اینکه حکیم و فقیه و واعظ و دبیر و خطاط نیز بوده و به دلایل نامعلوم از

«ایران» به «هندوستان» مهاجرت کرده و با اندوخته‌ای که داشته در اکثر نقاط «هند» به سیر و سیاحت پرداخته، مدتی در ناحیه «کره» بر ساحل گنگ از توابع «اله آباد» رحل اقامت انداخته. و زمانی در «کنبایت» که بندر بزرگی است واقع در صوبه «گجرات» مسکن گزیده و مورد لطف و عنایت «عین الملک ملتانی» حاکم آن جا قرار گرفته و سپس به دربار «فیروزشاه بن سالار رجب تغلقی» (۷۵۲-۷۹۰ هـ) در دارالسلطنه دهلی فراخوانده شده و قصایدی در ستایش وی و بزرگان دولت وی سروده و یک سال پس از فوت «فیروز شاه» یعنی در سال ۷۹۱ هجری در گذشته است.

«دیوان مطهر» پانزده هزار بیت و شامل انواع قالب‌های شعری بوده که با گذشت زمان قسمت اعظم آن از میان رفته و در حدود پنج هزار بیت باقی مانده آن در اوایل قرن یازدهم هجری در «احمد آباد گجرات» به دست ملا محمد صوفی مازندرانی افتاده و وی اشعار آن را به ترتیب قوافی مرتب کرده و چندین نسخه از آن را رونوشت کرده و پراکنده ساخته و منتخبی از اشعار مطهر را که یک پنجم آن را در بر می‌گیرد در کتاب «بتخانه» وارد کرده است. متأسفانه دیوان مطهر تاکنون در ایران به چاپ نرسیده است و تنها منبع باقیمانده از اشعار مطهر همین گزیده اشعاریست که صوفی مازندرانی در کتاب بتخانه نقل کرده است که در حدود هزار بیت است.

از این جهت که «صوفی مازندرانی» اشعار «مطهر» را در «گجرات» به دست آورده بوده، بعضی از تذکره نویسان مطهر را گجراتی شناخته‌اند و بعضی دیگر «مطهر» را به تصحیف «مظهر» نوشته‌اند و برخی «مظهر گجراتی» و «مظهر گجراتی» را دو شاعر دانسته‌اند. (هدایت، ۱۳۸۲: ۵-۵۰۴) و باز بعضی «مظهر کره‌ای» را برین دو افزوده (بداونی، ۱۰۰۴: ج ۱: ۲۵۷) و از یک شخص واحد سه شاعر به وجود آورده‌اند و اشعاری از مطهر را در تحت نام هر یک ذکر کرده‌اند.

نمونه‌ای از ابیات مطهر که در بتخانه آورده شده است:

صبح چون رایت سیمین سحر بگیرند	طاس مه بر علم خسرو خاور گیرند
مجلسی خوبتر از جنت فردوس کنون	باده‌ای صافتر از چشمه کوثر گیرند
مرغ مزار و بط باده به آواز خروس	نغمه بلبل و آهنگ کبوتر گیرند
ساقیان چون مه و خورشید به جام زر و سیم	با شرابی چو شفق دور مکرر گیرند
دلبرانی که چو بر روی زمین پای نهند	کشتگان بار دگر زندگی از سر گیرند

کف چو بر باده گلرنگ فشاند کافور
 جام فرعون نماید ید بیضای کلیم
 از لب بحر همه توده عنبر گیرند
 نار نمرود ز دست بت آزر گیرند
 ساحت و صحن زمین در زر و زیور گیرند
 صفه و سقف فلک پر در و یاقوت کنند
 (نسخه مجلس، ۳۵۸۲۷ ج ۲: ۳۶۴)

به طور کلّ تذکره بتخانه به دلیل ذکر ابیات بسیار از شاعران، که برخی از آنان دیوانی نداشته‌اند یا اشعارشان شناخته نشده و یا از بین رفته است و همچنین بیان دقیقه‌هایی از زندگی شاعران، که بعضاً در تذکره‌ها و کتب دیگر ذکر نشده است، مطالب منحصر به فردی نسبت به تذکره‌های دیگر دارد و این اثر در معرفی این شاعران نقش مؤثری ایفا می‌کند و به عنوان نسخه‌ای نویافته از هر یک از این شاعران محلّ تأمل است.

رویکرد زیباشناسانه به سبک ادبی و زبانی تذکره «خلاصه الشعراء»

رویکرد زبانی - بلاغی شامل دو نوع توصیف زبانی و بلاغی می‌شود. در توصیفات زبانی، تذکره نویسان بیش تر به مسایلی مانند تازگی ترکیبات زبانی، واژگان بیگانه، و زبان غیر رسمی توجه می‌کنند و در رویکرد بلاغی، که بیشتر ناظر بر بعد ادبی زبان است، به آرایه‌های بلاغی و سطوح ادبی زبان، توجه می‌کنند.

در سطح زبانی سخن از هنر زبانی و بیانی است که هر نویسنده آن را به گونه‌ای مختص و ویژه به نمایش می‌گذارد. بیان واژگان، به گزینی آنها، چینش و سامان دهی آنان در جمله‌ها و بیان کردن آواها و تکواژها و واژگان و گروه‌ها در هر نثری، محصول نویسنده و خالق اثر است. عبداللطیف عباسی نیز از آن‌چنان فن زبانی و بیانی برخوردار است که در آغاز کلام، مخاطب را مسحور سحر واژگان خود در عرصه بیان می‌کند.

علاقه وافر عبداللطیف در آوردن واژگان عربی و توجه او به رعایت تناسب سجع‌ها و ابهام آفرینی و تناسب سازی در برخی از سطور آغازین که در وصف ایزد یکتا ترقیم شده است، نشانگر ویژگی‌های بارز زبانی این شاعر می‌باشد. چند معنایی بودن واژگان و تأکید بر حفظ انسجام و تناسب واژگانی میان آنها، پیوند عمیقی مابین واژه‌ها برقرار می‌سازد. در این فراز از مقدمه که شاعر

به رشته تصنع، واژگان را به هم آویخته بیانگر مطلب فوق در سبک شناسی زبان مقدمه تذکره خلاصه الشعراست.

«... احیای آن طبقه را به توفیقات حسنه و تصرفات بلیغه موفق و مؤید داشته، متعظشان زلال بادیه دانش پژوهی را به رشحات سحاب اقلام بلاغت نظامشان سیراب و خوش وقت گرداناد و مضاجع و مراقد موناى آن فرقه را که به مقتضای آن «الاولیاء الله لا یموتون» زنده جاویدند، به لمعات انوار رحمت تامه و فیضان امطار مغفرت عامه خویش منور و منتصر دار.» (نسخه مجلس، ۳۵۸۲۷، ج ۱: ۱)

تأکید بر تناسب آفرینی و ایهام و پردازش به کنایات، گاه پیام اصلی متن را مستور نگه داشته و واژگان و ترکیبات عربی به تصنع و تکلف متن افزوده است. این ویژگی سبکی نیز در حیطه زبانی قابل تأمل و تعمق است. در این سطح از سبک شناسی اشارتی به چند نمونه در باب سبک شناسی واژگانی اثر مورد تحقیق خواهیم داشت.

«رحمهم الله ماضیهم و اعز باقیهم بمنه و سعه فضله الحق» اگر وجود فایض الجود این طبقه رفیعه نبودی عذرای کلام را از کتم عدم که به جلوه گاه بروز آوردی و گلستان نورش علم و دانش را که به گوناگون گلهای فرح بخش زیب و زینت دادی و فی الواقع غرض از ایجاد عالم و خلقت بنی نوع آدم نفوس نفیسه همین فرقه شریفه تواند بود و درین چه شک است». (همان)

ترکیبات گسترده عربی و تناسب واژگانی در زمره لفظ و چینش واژگانی در سطور فوق خود نیز تا حد زیادی نظر به کاربرد تصنع و گرویدن به تکلف کلامی دارد. مانند:

«... توجه قدردان اهل معنی حقیقت شناس ارباب فطرت و اصحاب حیرت میرزاحسن بیگ خاکی دام ایام رفعتی الی یوم التنادی لآلی سلالی سخن و در غرر دانش و فطن از بحار دواوین سحرآمیز قدما که هر کدام سر دفتر جهان معنی.» (همان: ۲)

نمونه‌هایی از به کارگیری فنون بلاغی در خلاصه الشعرا (مقدمه بتخانه)

«مفاتیح خزاین دانش، دفاین بی‌منتهای سخن، درج جنان، ارباب فهم و فطانت و اصحاب فضل و رزانت، عذرای کلام، ریاحین باغ سخن‌وری، از میدان بلاغت چنین‌گویی به در بردن،

مرآت خاطر خطیر، کوره فضل و سداد، تا به غواصی طبعت دری از بحر ذخار فطرت به کنار آمده که سزاوار گوش و گردن عرایس ابکار افکار تواند بوده، هر بیتی از آن بیتی است رشک فرمای حور عین و غیرت افزای بهشت برین، هر مصرعی از رازهای طبعشان در لطافت و روشنی رشک دره بیضایی، مهر و محسود جوهر شب چراغ بدر است، مخموران تشنه لب بادیه جویایی را از خمخانه افضال خود جام مرصع تنثیر نیر صهبا قوت و قدرت در نوشاند و بدان وسیله عرایس منتخبات خود را حلال گرانمایه نثر در پوشاند، این مقصود از ورای حجله غیب جلوه نمی نمود و غنچه وار سر در گریبان خمول و افول مختفی داشت.» (همان، ج ۱: ۵-۳)

نمونه‌هایی از توصیفات زبانی در خلاصه الشعراء، که بر مبنای اضافه تشبیهی واژگان را از ورطه روزمرگی به حیطة زبان فاخر می کشانند:

«قبضه قدرت کامله، سرپنجه تقدیر شامله، عین رحمت واسعه، کواکب ثواقب سخن، لمعات انوار رحمت، فیضان امطار مغفرت (همان، ج ۱: ۱)».

عبداللطیف در مقدمه نوشتار خود، به طوری خودآگاه، در محورهای جانشینی کلام، واج و واژگانی را بر می‌گزیند تا در محور هم نشینی سخن، تقارن های لفظی و معنایی برقرار سازد. از نظر شگردهای لفظی، تقارن های آوایی «ت»، «آ»، «س»، «ش» و «گ»، تقارن های واژگانی «تعالی و تقدس»، «کامله و شامله»، «بالغه و واسعه» و «تالیفات و تصنیفات»، «جزالت و فطانت و رزانت»، «ارباب فهم و اصحاب فضل» و توازن نحوی در دو جمله نخست (قبضه قدرت کامله = سرپنجه تقدیر شامله، محض حکمت بالغه = عین رحمت واسعه) سبب آهنگین شدن کلام و پیوندهای زیبای لفظی نظم آفرین شده است

شایان ذکر است که مدلول واژه «قبضه» ارتباطی با فضای قدرت خداوندی نیز می تواند داشته باشد که در پیوندی معنایی در محور هم نشینی سخن با معانی قدرت، کامله، سرپنجه، تقدیر و شامله و نیز با فضای قدرت مطلق خداوند در فراز آغازین این مقدمه مناسب تر می افتد.

اضافه استعاری نیز در «سرپنجه تقدیر»، «عین رحمت»، «دست تصرف» در درونه زبان عمل می کند و سخن را مجازی می کند. تضاد میان «ثواقب» و «ظلام» و «متعیشان» و «سیراب» نیز تقارن معنایی می سازد. از نظر شگردهای معنایی، ارتباط معنایی فراوانی در این نوشته آشکار است

که روشن می کند انتخاب واژگان در محور جانشینی، مناسب و مرتبط با محور هم نشینی، چقدر فناورانه و دقیق انجام شده است.

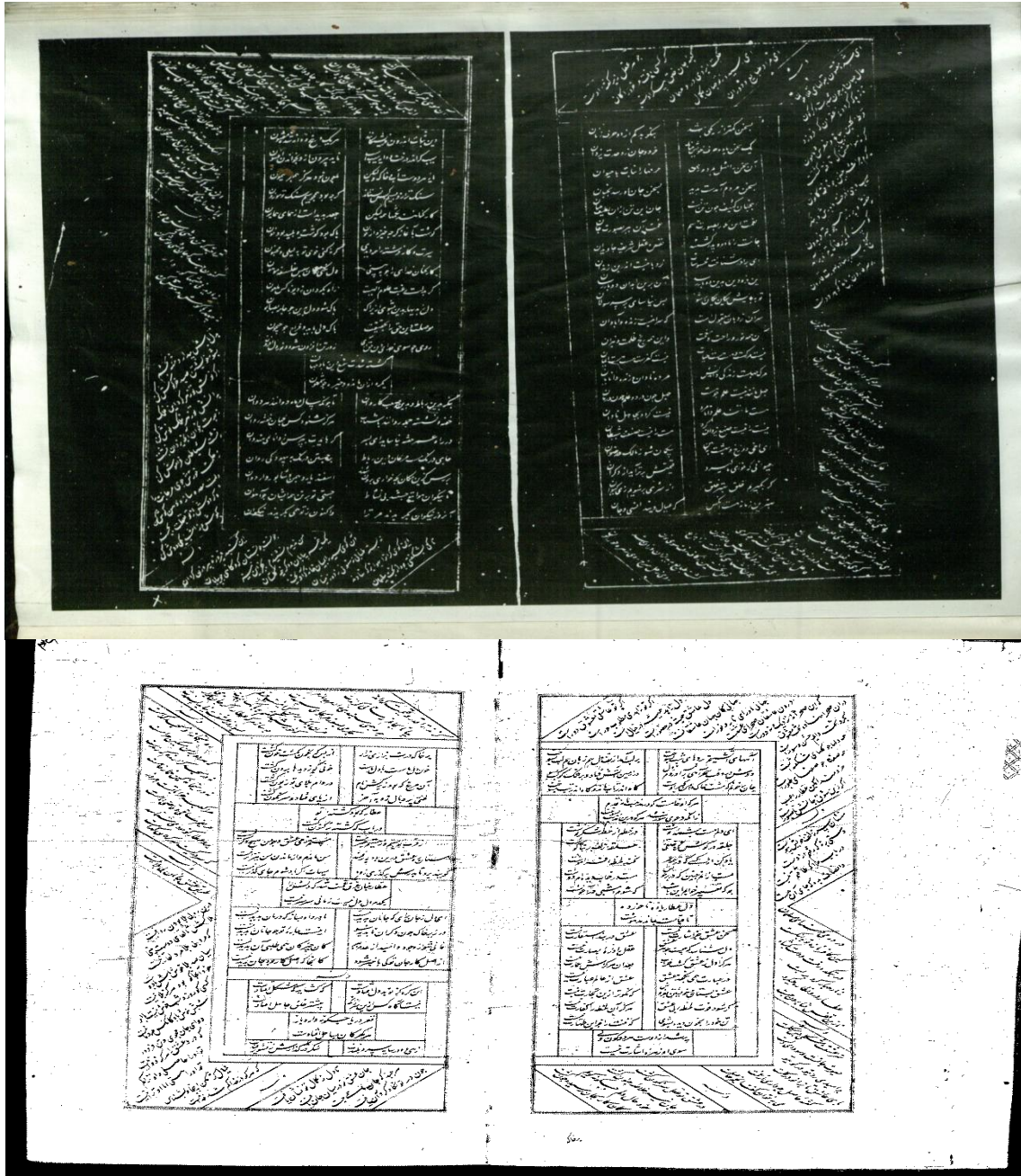
«... طالبان ملک معنی را حیات مؤید بخشیده اند و پرده خفا از چهره شاهد هر علمی به دست تصرف برداشته اند، بی نقاب حجاب به معرکه شهود و عرصه ظهور جلوه داده اند. احیای آن طبقه را به توفیقات حسنه و تصرفات بلیغه موفق و مؤید داشته، متعشان زلال بادیه دانش پژوهی را به رشحات سحاب اقلام بلاغت نظامشان سیراب و خوش وقت گرداناد و مضاجع و مراقد موناى آن فرقه را که به مقتضای «آن الاولیاء الله لا یموتون» زنده جاویدند، به لمعات انوار رحمت تامه و فیضان امطار مغفرت عامه خویش منور و منتصر دارد». (همان، ج ۱: ۱)

توالی واژگانی چون «بخشیده اند» و «برداشته اند» و «توفیقات حسنه» و «تصرفات بلیغه»، «رحمت تامه» و «مغفرت عامه» در این نوشته دیده می شود و بر درونۀ زبان عمل می کنند و متن را آهنگین می کنند. به بیانی دیگر، این شگردها همه نظم آفرین هستند.

تشبیه در «لمعات انوار رحمت تامه» در «فیضان امطار مغفرت عامه»، «بادیه دانش پژوهی» و «سحاب اقلام» در درونۀ زبان عمل می کند و نیز با بیان مجازی سر و کار داریم. «رشحات سحاب اقلام» رشحه. تراوش کرده و چکیده. ج، رشحات (معین، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۳۳۴) کنایه از نوشته های شخص که به وسیله قلم انجام گیرد: این هم دیگر عنصر شعرآفرین این نوشته است. «آن الاولیاء الله لا یموتون» با زنده جاویدند تکرار معنایی نحوی دارند که بر درونۀ زبان استوار است (تضمین).

همچنین یادآوری این نکته بایسته است که تکرار آوایی «ا» و «ش» در این قسمت «متعشان زلال بادیه دانش پژوهی را به رشحات سحاب اقلام بلاغت نظامشان سیراب و خوش وقت گرداناد» فضای شغف و شادی را نیز بازتاب می دهد، گویی بارش قطرات باران (سیر عمودی) با تکرار حرف مد «الف» بر فضای متن سایه می اندازد که بر درونۀ زبان نیز تأثیر می گذارد. چنین کاربردی در محتوای زبان، زیبایی تقارن ایجاد می کند و نوعی قاعده افزایی برای شعرآفرینی است.

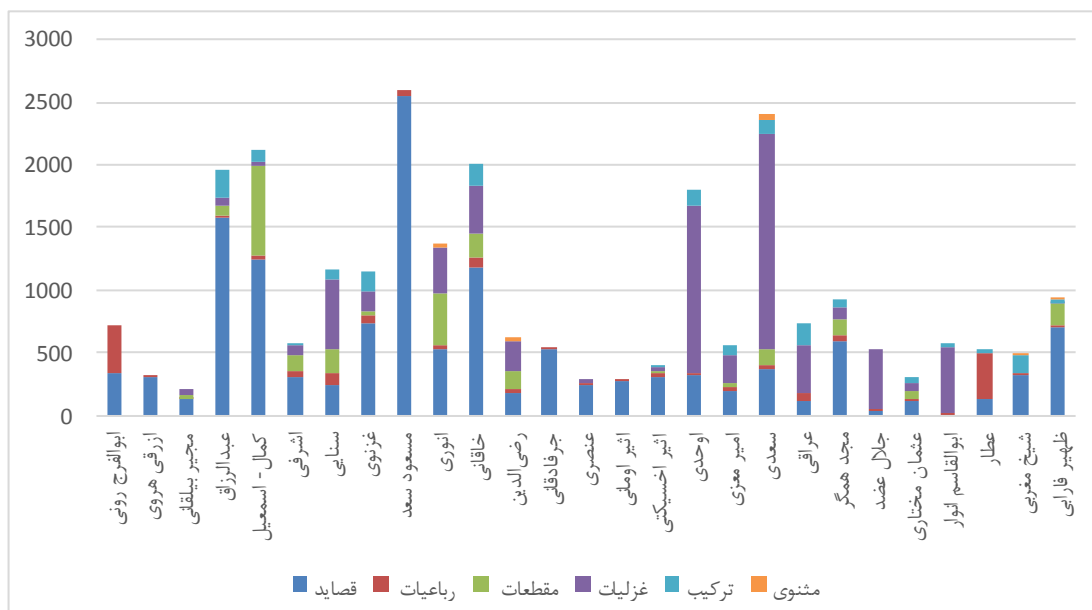
نمونه‌ای از صفحات نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد انگلستان:



«جدول اطلاعات به دست آمده از شاعران و تعداد اشعار آن‌ها در قالب‌های مختلف شعری»

ردیف	نام شاعر	قصاید	رباعیات	مقطعات	غزلیات	ترکیب	مثنوی	ابیات دیوان
۱	ابوالفرج رونی	۳۳۷	۳۸۷	-	-	-	-	-
۲	ازرقی هروی	۲۹۸	۲۴	-	-	-	-	-
۳	مجیر بیلقانی	۱۲۴	۱۲	۱۹	۵۰	-	-	-
۴	عبدالرزاق	۱۵۷۲	۲۴	۷۵	۷۱	۲۱۴	-	-
۵	کمال اسمعیل	۱۲۴۸	۲۷	۷۱۷	۳۴	۹۷	-	۱۵۰۰۰
۶	اشرفی	۳۰۶	۴۶	۱۳۰	۷۶	۲۱	-	۵۰۰۰
۷	سنایی	۲۳۵	۹۶	۱۹۶	۵۵۶	۷۶	-	-
۸	غزنوی	۷۲۸	۶۷	۳۰	۱۶۱	۱۶۱	-	-
۹	مسعود سعد	۲۵۴۸	۵۰	-	-	-	-	۱۵۰۰۰
۱۰	انوری	۵۲۱	۴۳	۴۰۹	۳۶۶	-	۳۰	-
۱۱	خاقانی	۱۱۸۲	۸۴	۱۹۱	۳۷۳	۱۸۳	-	-
۱۲	رضی‌الدین	۱۷۵	۳۰	۱۴۷	۲۴۳	-	۲۴	-
۱۳	جرفادقانی	۵۲۹	۱۰	-	-	-	-	-
۱۴	عنصری	۲۴۴	۱۴	-	۲۶	-	-	-
۱۵	اثیر اومانی	۲۷۶	۶	-	-	-	-	-
۱۶	اثیر اخسیکتی	۳۱۰	۲۰	۳۱	۲۰	۲۰	-	-

نمودار جدول بالا



نتیجه‌گیری

تذکره خلاصه الشعرا (بتخانه) نسخه خطی ارزشمند و در خور توجهی در حوزه ادبیات کلاسیک است که دارای اطلاعات قابل توجهی درباره شاعران ناشناخته یا کمتر شناخته شده پارسی گوی و هندی است که اشعار بسیار ارزشمندی از آنها نیز آورده شده و به همین سبب در میان تذکره‌ها از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. این تذکره از حیث انتخاب اشعار، دارای اهمیت بسیار است. مخصوصاً چون ملاحظه می‌گردد که این اشعار را انتخاب نموده است، دارای ذوق عالی بوده و هر چه انتخاب کرده است، نغز و لطیف و آینه قریحه ظریف وی است.

به طور کل تذکره خلاصه الشعرا (بتخانه) به دلیل ذکر ابیات بسیار که همراه با دقت در گزینش است و همچنین بیان دقیقه‌هایی از زندگی شاعران، مطالب منحصر به فردی نسبت به تذکره‌های دیگر دارد؛ از آنجا که برخی از شاعران مذکور در تذکره، شاعرانی هستند که دیوانی نداشته‌اند یا اشعارشان شناخته نشده و یا از بین رفته است؛ بنابراین، این اثر در معرفی آنان نقش مؤثری ایفا می‌کند و به عنوان نسخه‌ای نویافته از هر یک از این شاعران محل تأمل است. در خصوص نویافته‌های تذکره از مجموع آنچه گفته شد می‌توان به هزار بیت از اشعار مطهر اشاره کرد که در هیچ دیوانی چاپ نشده است و تنها به صورت یک یا چند بیت در تذکره‌ها در معرفی شاعر آمده است.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱ - اوحدی کاشانی، تقی‌الدین، (۱۳۸۸)، *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، ۸ جلد، تهران: میراث مکتوب، چاپ اول.
- ۲ - بداونی، عبدالقادر، (۱۳۷۹)، *منتخب التواریخ*، تصحیح توفیق سبحانی و مولوی احمدصاحب، ج ۳، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳ - خوشگو، بندار بن داس، (۱۹۵۹م)، *سفینه خوشگو*، تصحیح محمد عطاءالدین عطاکاکوی، ج ۳، (بهار، انتشارات اداره تحقیقات عربی و فارسی)، پتنه.
- ۴ - سدارنگانی، هرومل، (۱۳۵۵)، *پارسی‌گویان هند و سند*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۵ - صمصام الدوله شاه نوازخان، (۱۳۰۹ هـ.ق)، *مآثر الامرا*، به تصحیح میرزا اشرف علی، کلکته، ج ۳.
- ۶ - صوفی مازندرانی، محمد، (۱۰۱۰ هـ.ق)، *تذکره بتخانه*، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، دو جلد، شماره ۱۲۰ و ۱۳۲ (شماره ثبت ۳۵۸۲۷ - ۴۵۲۴ ف)، تهران.
- ۷ - _____، (۱۰۱۰ هـ.ق)، *تذکره بتخانه*، نسخه خطی کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد انگلستان، دو جلد، شماره ۳۶۶، «میکروفیلمی از آن در کتابخانه دانشگاه تهران با شماره ثبت (۸۷۰ و ۸۷۹ - ب) موجود است».
- ۸ - فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی، (۱۳۶۲)، *تذکره میخانه*، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: اقبال.
- ۹ - کنبوه، محمدصالح، (۱۰۷۰ ق)، *عمل صالح موسوم به شاه جهان نامه*، تصحیح وحید قریشی، لاهور.
- ۱۰ - گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۳)، *تاریخ تذکره‌های فارسی*، ج ۲، تهران: کتابخانه سنایی.
- ۱۱ - _____، (۱۳۶۹)، *کاروان هند*، ج ۲، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات استان قدس رضوی.
- ۱۲ - لاهوری، عبدالحمید، (۱۸۶۸)، *پادشاه نامه*، به کوشش کبیرالدین احمد و عبدالرحیم، کلکته.

-
- ۱۳ - معین، محمد، (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، ۶ جلد، تهران، امیرکبیر.
- ۱۴ - مولانا محمد عبدالغنی خان، (۱۹۹۹م) تذکره الشعراء، تصحیح و حواشی: محمد اسلم خان.
- ۱۵ - نقوی، سید علیرضا، (۱۳۴۳)، تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ۱۶ - هدایت، رضا قلی خان، (۱۳۸۲)، مجمع الفصحا، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.